

درس ششم

فارسی نهم

متوسط اول

آداب زندگانی

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است

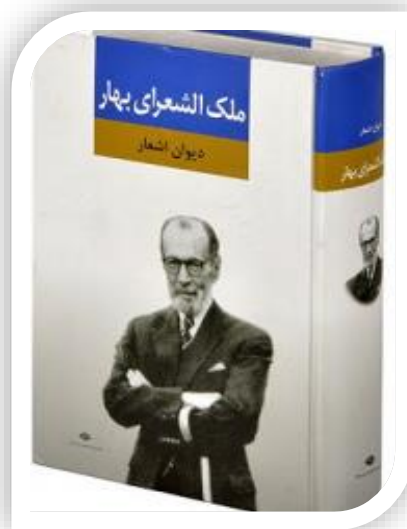
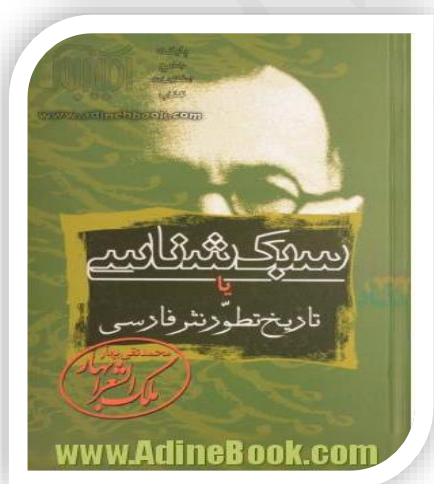
معنی: مردم جهان با اخلاق خوب نشان در جهان زنده است. قومی که اخلاق خوب نداشته باشد از بین می رود.

حسن اندرزی تاکید بر اخلاق کرامی. / سند: زنده، فاقد اخلاق، مردنی

تاریخ ادبیات:

میرزاتقی خان **مخلص بهار**: درمهد به دنیا آمد. نخستین اشعار سیاسی و اجتماعی خود را در روزنامه خراسان به چاپ رسانید

آثار او: **سبک شناسی**، **تاریخ احزاب سیاسی**.



این درس سخن اندرزی تعلیمی دارد:

پیام های درس:

هنر از اصل و نسب بهتر است. / حرف سیوده نزن. / تا از تو نخواسته اند چیزی مگو.

در میان جمع کسی را نصیحت مکن. / از دوستان بد و مکان بد دوری کن.

کم حرف، صبور، عاقبت اندیش، قانع باش / سخن دیگران را قطع مکن

به سخن دیگران پنهانی گوش مکن / دیگران را در جمع سرزنش مکن.

1: بدان که مردم بی هنر، مادام بی سود باشد «آگاه باش مردم بی هنر همیشه بدون سود هستند.»

2: چون مغیلان که تن دارد و سایه ندارد «انسان بای بی هنر به خار مغیلان تشبیه شده اند» مغیلان: گیاه خاردار»

3: کوهر تن از کوهر اصل بهتر بود «هنر بای اکتسابی از هنر بای ارثی و اصل و نسب بهتر است»

4: «بزرگی، خرد و دانش راست نه کوهر را» بزرگی به خرد و دانش است نه اصل و نسب»

6: در هر که این دو کوهر بایی «منظور هنر بای اکتسابی و کوهر اصل و نسب»

7: چنگ در وی زن و از دست بگذارد «کنایه از این که رها کند»

8: از گفتار خیره پر بیز کن: «از سخنان پیوده پر بیز کن»

9: خاصه را کسی را که پند نشود که او خود افتد: «مخصوصا کسی را که گوش نمی کند زیرا او خود می فهمد. ضررش را می بیند» خود افتد: کنایه از گرفتار شدن / تلخیص به:

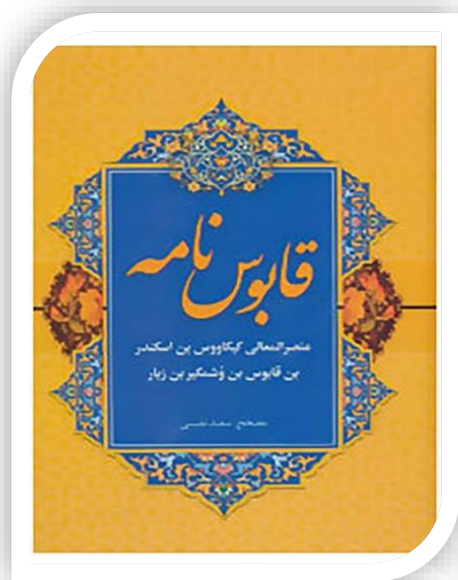
من خالف النصح حلك» . /

10: در میان جمع هیچ را پندیده: تلخیص به «النصح بین الملائع» / از جای تهمت زدن پر بیز کن: تلخیص به «التقوى من مواضع انهم» /

11: داد و ده تا دایبایی: عادل باش تا با تو عادل باشند. «برای هر عملی عکس العملی است»

غضنصر المعالی: از امرای آل زیار در قرن پنجم است. وی به فارسی و طبری شعر می سرود. این کتاب را با موضوع اخلاقی و تربیتی برای تربیت

فرزندانش نوشته است. صفحه 151



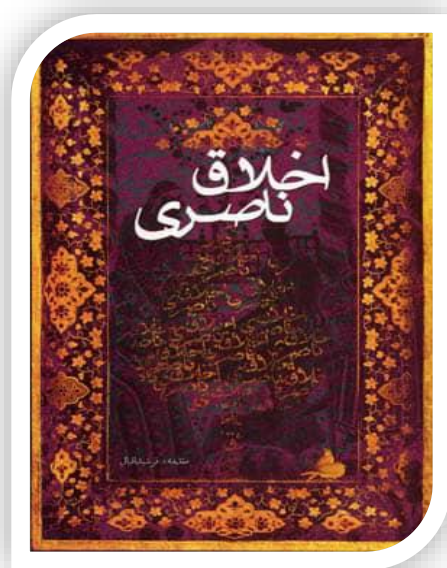
1: برو جی که بر مقدم طعن نکند: به شکلی که نفر قبلی را سرزنش نکند

2: در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود نخوض نماید: در گفتگویی که در حضور او میان دو نفر انجام می شود دقت نکند.

3: اگر از او پوشیده دارند استراق سمع ننمایند: اگر از او پنهان کردند، دزدیده گوش نکند.

تاریخ ادبیات:

خواجہ نصیرالدین توسی: از علای نجوم و حکمت در قرن ہفتم است. از مهمترین آثار او کتاب اخلاق ناصری است.



محاکات زبانی:

مضارع اخباری: می+بن مضارع+شناسه؛ (انجام کاری در زمان حال)

می روم می روی می رود می رویم می روید می روند

می نوشتم می نوشی می نوشد می نوشتم می نوشید می نوشند

مضارع مستمر: دار+شناسه ها+ مضارع اخباری

مضارع مستمر یا لموس در این میان از جمله فعل های است که در بیشتر کاربردهایش از وقوع فعل در لحظه اکنون و حالی که در حال گذشتن است، سخن می گوید

دارم می روم / داری می روی / دارد می رود / داریم می رویم / دارید می روید / دارند می روند

مضارع التزامی: ب+بن مضارع+شناسه ها

وقوع فعل در زمان گذشته همراه باشک / وقوع فعل در گذشته همراه با آرزو و تمنا / بیان فعل همراه با شر

بفروشم / بفروشی / بفروشید / بفروشیم / بفروشید / بفروشند

شاید امروز کتابی را مطالعه بکنم / کاش امروز باران بیاید / شاید فردا نامه ای برایت بنویسم .

نکته: فعل مضارع اخباری و التزامی گاهی اوقات بدون نشانه (ب، می) به کار می رود.

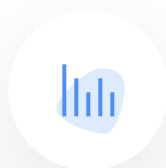
اگر در خانه ای شوی روزگار در از صفت آن کوئی . (بشوی - می کوئی)

در پیله تابه کی درخوشتن تی؟ (می تی)



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد